

«توم کونیگس»

برگردان از هالندی: طارق پیکار

منبع: روزنامه مردم

افغانستان ، شتابزده گی و پیامدهای ناگوار

متن مصاحبه «توم کونیگس» "Tom Koenigs"، نماینده فوق العاده سرمنشی سازمان ملل متحد و سرپرست اداره «یوناما» "Unama" در افغانستان. بازسازی افغانستان مسأله بیست، که نباید به آن کم بها داد!

آقای «توم کونیگس»، نماینده فوق العاده سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان، ناظرِ فعالیتهای «اقتصادی- اجتماعی» «۱۶» اداره موجودِ مربوط به سازمان ملل در افغانستان به نام «یوناما» نیز میباشد.

موصوف، ضمن مصاحبه یی از عملکردهای حکومتِ کرزی و «جنرال ریچاردسِ انگلیسی» قوماندانِ قوت‌های «ایساف» "ISAF" (تأمین کننده آرامش) در این کشور انتقاد نموده، آنان را به شتابزده گی متهم مینماید.

آقای «کونیگس»، داشتنِ سنجش و حوصله مندی را برای حل معضله های امنیتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افغانستان عاجل و ضروری میپندارد.

به نظر وی اگر وضعیتِ امنیتی در مناطق مختلف، از جمله در جنوب افغانستان بی ثبات هم باشد، ضرورتِ عملکردهای سریع و ناسنجیده نظامی به یقین پیامدهای دلخراشِ انسانی داشته، راهِ حل معقول برای بحرانِ موجود نخواهد بود؛ چنانکه بمباردمانهای اخیرِ مناطق جنوبی و جنوبغربی افغانستان و ارسال قوت‌های نظامی به آن جاها شاهد این ادعاست! اما با تأسف که نظامیان مؤظف مربوط به «ایساف» عواقب

این گونه عملکردها را به وجه لازمی درک کرده نمیتوانند، آنان صرف میخواهند در وضعیت حضور غالب داشته باشند، که این کار به ساده گی امکان پذیر نمیشود.

عملیات نظامی، اقدامهای تروریستی و بمبگذاریهای متقابل که از جانب

نیروهای طالبان انجام مییابد، اکثراً منجر به از بین رفتن انسانهای بیگناه و باشندگان فقیر گردیده، (هشتادوپنج درصد) تلف شده گان را تا به حال بیگناهان و افراد ملکی تشکیل میدهند.

از جانبی، ما شاهد عملیات و اقدامهای نظامی کاملاً اشتباه آمیز قوتهای «ناتو» نیز میباشیم؛ چنانکه، به تاریخ «۲۴- اکتوبر سال ۲۰۰۶م.» در ولایت قندهار، در اثر حمله هوایی نیروهای مذکور، «۳۱» نفر غیرنظامی هلاک گردیدند. مشکل عمده نیروهای نظامی ناتو در افغانستان این است، که آن ها صرفاً انجام عملیات هوایی (بمباردمان) مناطق را برتری نظامی خود نسبت به مخالفان میپندارند، که آن هم به قتل و کشته شدن غیرنظامیان می انجامد و کدام دستاورد مثبت برای بهشد وضع و آینده افغانستان همراه ندارد.

قوماندانی قوتهای موجود چند ملیتی در افغانستان، تنها راه جنگ را جهت برقراری صلح در پیش گرفته، توسل به راههای دیگری، از جمله: دیپلماسی، تقویت همه جانبه اداره دولتی و پلانهای انکشافی را هنوز نیازموده اند؛ چون که تحقق راههای مذکور زمان، حوصله مندی و بذل توجه جدی و همه جانبه را ایجاب مینماید؛ بناً، (بازسازی افغانستان مسأله بیست که نباید به آن کم بها داد!)، طوری که در طول پنجسال گذشته واقع شد. مثلاً، قبل از احداث مکتب در محلی، باید نخست با سران محل موضوع را مطرح و توضیح نموده و بعداً با کسب پشتیبانی و جلب همکاری مردم محل دست به اقدام زد؛ این شیوه در ثمربخشی کار ارگانهای مدد رسانی و بازسازی خواهد افزود.

باید اعتراف نمود، که روی عوامل متعددی از جمله:

- نرسیدن و نپرداختن کُمکهای پولی وعده شده، از طرف کشورهای متعهد برای بازسازی افغانستان، این پروسه خیلی پاسیف و حتی ناممکن جلوه مینماید. در کوسو «Kosovo»، جایی که «کونیگس» از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ م.، به حیث نماینده ملل متحد کار میکرد، به گفته او، سالانه برای هر فرد «کوسویی» بیشتر پول تخصیص و پرداخت میگردید، در حالی که در این جا (افغانستان) وضع زنده گی به مراتب بدتر و خطرناکتر از آن جا (کوسو) تلقی میگردد.

- عامل بازدارنده دیگر، ناامنی شدید در ولایتهای جنوبی بوده، به مشکل میتوان نهادی را جهت کار در عرصه بازسازی آن مناطق فعال ساخت. به طور مثال، از اوضاع نامناسب امنیتی ولایتهای ارزگان و

هلمند میتوان نام بُرد.

- مهمترین عامل و مانع، عدم داشتن امکانات و شرایط برای سازماندهی دموکراتیک و انتخابی اداره- در واحدهای اداری، در سطوح مختلف محلی، شهری، ولایتی و مرکزی بوده؛ صرف از ایجاد قسماً دموکراتیک اداره کابل میتوان نام بُرد؛ اما، در اطراف و ولایتهای انتخابی بودن ترکیب اداری واحدها پدیده بیست ناآشنا و نامعمول.

باید تذکر داد، یکی از دلایلی که پدیده انتخابی شدن اداره را سد میشود، ضعف بیحد و امکاناتی ناچیز مالی دولت مرکزی میباشد. ایجاد چنین ساختارهای انکشافی طالب هزینه های هنگفتیست که دولت حامد کرزی تا هنوز در اختیار ندارد.

- برعلاوه دشواریهای عینی ذکرشده بالا، ریشه داشتن، نفوذ معنوی و جاگیری طالبان در میان باشنده گان و اهالی ساده مناطق آشوبزده بوده، زمینه های کاری را برای ارگانهای انکشافی مشکلتر و نامساعدتر میتواند بسازد.

از دیدگاه آقای «کونیگس»، جنگ علیه طالبان، از بسیاری جوانب مشابه یک مبارزه سیاسیست. یعنی، علیه رهبری سابق طالبان میشود با نظامیگری (جنگ) به مبارزه پرداخت. اما، در مقابل برای نجات افراد عادی و جوانانی که بنا بر عوامل مختلف، مثلاً، روش نادرست و بی اعتنایی دستگاههای حکومتی در قبال حل مشکلات مردم

(فسادِ اداری)، بیکاری، فقر و تهیدستی و . . . مجبور به پیوستن در صفوف طالبان گردیده اند، باید اقدامهای انسانی دیگری را به جز از جنگ روی دست گرفت.

جامعهٔ جهانی با پی بُردن به واقعیت‌های عینی موجود در افغانستان، باید تعهدهای انسانی شان را در راستای بازسازی آن کشور همه جانبه عملی نمایند.

- در خاتمه، از کشورهای ذیدخل جهان در پروسهٔ تأمین صلح و بازسازی افغانستان خواهانم، تا برای جلب همکاری کشور پاکستان، جهت تحقق اهداف فوق جذاً تلاش نموده، فراموش ننمایند که بدون سهمگیری مسؤولانه و همکاری واقعی پاکستان، بهبود وضع امنیتی و ثبات دایمی در افغانستان، بسا مشکل خواهد بود. (*De Volks*)
(krant 19- 12- 06)

www.ayenda.org